

تابعیت طفل متولد از روش‌های نوین باروری در حقوق ایران

محمدحسن صادقی مقدم*، سیدرضا امیری سرارودی**

چکیده

روش‌های جدید در حوزه باروری از قبیل روش باروری داخل رحم یا روش تزریق اسپرماتوزوئید به داخل سیتوپلاسم تخمک سبب شده است تا حقوق‌دانان و فقها به بررسی و اظهارنظر در مورد ابعاد مختلف حقوقی فرزندان که از این روش‌ها متولد می‌شوند، بپردازند. تابعیت فرزندی که متولد می‌شود (تابعیت تولدی) یکی از ابعادی است که نیازمند تحلیل حقوقی است. مشخص شدن این مهم، مستلزم مشخص شدن نسب پدری طفلی است که از این روش‌ها حاصل می‌شود؛ زیرا قانون‌گذار ایرانی ملاک تابعیت کشور ایران را نسب پدری طفل به شمار می‌آورد. در صورتی که جنین حاصل از اسپرم پدر ایرانی و تخمک مادر ایرانی باشد، فرزند ایرانی است و در صورتی که جنین حاصل از اسپرم پدر ایرانی و تخمک زن غیرایرانی باشد، در این حالت نیز فرزند ایرانی است؛ اما در صورتی که جنین حاصل از اسپرم مرد غیرایرانی و تخمک زن ایرانی یا غیرایرانی باشد، طبق ملاک بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی فرزند غیرایرانی است.

واژگان کلیدی: تابعیت، روش‌های نوین باروری، رحم، لقاح

* استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

mhsadeghy@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

seyedrezaamiri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۹

مقدمه

یکی از موضوعاتی که سال‌ها ذهن بشر را به خود مشغول کرده است، معضل ناباروری است. با پیشرفت سریع و روزافزون دانش پزشکی در جهان، اندیشمندان و محققان پزشکی پس از سال‌ها تلاش و عبور از مسیرهای پرفراز و نشیب، توانستند تا حدود زیادی مشکل بشر را در بهره‌مندی از نعمت فرزند حل کنند و به یکی از آرزوهای دیرین بشر جامعه عمل ببوشانند.

لقاح خارج از رحم و سایر روش‌های باروری مصنوعی از اموری است که به‌وسیله دانشمندان غربی در قرن اخیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت. تولد لوئیس براون، در سال ۱۹۷۸ میلادی اولین نتیجه مثبت این تلاش‌ها بوده است (صادقی مقدم، ۱۳۸۳: ۱۶۱). با به‌وجود آمدن روش‌های نوین باروری این سؤال در ذهن حقوق‌دان شکل می‌گیرد که این فرزندان از چه حقوقی بهره‌مند هستند. تابعیت یکی از اساسی‌ترین این حقوق است و این سؤال را ایجاد می‌کند که ملاک تشخیص تابعیت در این نوع افراد چیست؟ برای نمونه اگر یک مرد ایرانی با یک زن فرانسوی در ایران ازدواج کنند و به علت نازایی، با توسل به یکی از روش‌های نوین باروری فرزندی از آن‌ها متولد شود، تکلیف تابعیت این فرزند چه خواهد بود؟ آیا باید بر اساس اصول کلی در مورد تابعیت فرزند مذکور حکم کنیم یا موضوع مذکور تابع اصول دیگری است.

تابعیت از جمله حقوق مهمی است که آثاری اساسی بر آن مترتب شود؛ از جمله باعث حمایت دولت متبوع به صورت‌های مختلف از فرد می‌شود. همچنین در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی، قانونی که بر احوال شخصیه از قبیل نکاح، ارث و... حاکمیت دارد، به واسطه تابعیت مشخص می‌شود و بارزترین نمونه آن ماده ۷ قانون مدنی است که قانون‌گذار مقرر می‌دارد: «اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.»

در این مقاله سعی بر این است که پس از آشنایی با مفهوم تابعیت به بررسی مهم‌ترین روش‌های باروری مصنوعی پرداخته و با اشاره‌ای مختصر به ادله موافقان و مخالفان در هر یک از این روش‌ها در مورد تابعیت هر یک اظهار نظر شود و تناقضاتی که در ظاهر وجود دارد، بررسی گردد.

۱. مفهوم و انواع تابعیت

قانون‌گذار ایرانی تعریفی از تابعیت ارائه نکرده است؛ اما در کتب حقوقی از واژه تابعیت^۱ تعاریف مختلفی وجود دارد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند تابعیت رابطه‌ای است که یک شخص حقیقی یا حقوقی یا یک شیء را به دولتی منتسب و متصل می‌کند (عامری، ۱۳۶۲: ۲۴). برخی دیگر معتقدند تابعیت عبارت است از رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی یا حقوقی یا یک شیء با دولت معین، به طوری که حقوق و تکالیف وی از همین رابطه ناشی می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۸۴؛ دانش‌پژوه، ۱/۱۳۸۱: ۳۰-).

1. Nationality

۲۷). عده‌ای دیگر بر این باورند که تابعیت رابطه‌ای سیاسی و معنوی است که شخص را به دولت معینی مرتبط می‌سازد (نصیری، ۱۳۹۳: ۲۶).

طبق تعاریفی که از تابعیت بیان شد این نتیجه قابل برداشت است که برخلاف تصور اولیه، نمی‌توان تابعیت را یک عمل حقوقی یک طرفه و ایقاعی دانست؛ چراکه اعطای تابعیت اصلی به اراده هیچ مقام دولتی نیاز ندارد.

تابعیت در یک تقسیم‌بندی کلی به تابعیت اصلی یا تولدی و تابعیت اکتسابی تقسیم می‌شود. تابعیت اصلی تابعیتی است که به محض تولد بر طفل تحمیل می‌شود و از طریق دو نوع سیستم در نظام‌های حقوقی دنیا اعمال می‌شود. یکی از این سیستم‌ها، سیستم خون یا تابعیت نسبی است که در آن تابعیت از راه نسب و وابستگی خانوادگی به فرزند منتقل می‌شود؛ یعنی کودک در همان هنگام تولد، از تابعیت پدر و مادر خود برخوردار می‌شود و محل تولد یا اقامتگاه والدین هیچ تأثیری بر تابعیت فرزند ندارد (کریمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۶). قانون‌گذار ایرانی در بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی سیستم خون را اعمال نموده است؛ البته در این بند فقط تابعیت پدر در نظر گرفته شده است. پس تنها فرزندان که پدر آنان ایرانی باشد تابعیت ایرانی خواهند داشت.

سیستم دیگر سیستم خاک یا تابعیت ارضی یا زادگاه است که به موجب آن تابعیت بر اساس محل تولد طفل مشخص می‌شود. این روش در جلوگیری از بی‌تابعیتی^۱ اشخاص سهم به‌سزایی دارد. بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶^۲ قانون مدنی بیانگر سیستم خاک هستند.

۱-۱. عناصر تشکیل دهنده تابعیت

از تعابیر مختلفی که از مفهوم تابعیت ارائه شد می‌توان به این نتیجه دست یافت که عناصر اساسی زیر وجه مشترک همه این تعاریف هستند و عبارتند از:

1. Apatride

۲. اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند: ۱. کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد، تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آن‌ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد. ۲. کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند. ۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد. ۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند. ۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است، به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام لاقلاً یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آن‌ها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است. ۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند. ۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد. تبصره- اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

الف) رابطه سیاسی: تابعیت از این جهت رابطه‌ای سیاسی است که ناشی از قدرت حاکمیت است و فرد را به یک دولت دارای قدرت و حاکمیت پیوند می‌دهد. همچنین حق حمایت سیاسی از تبعه یک کشور ناشی از همین عنصر است (آل کجیاف، ۱۳۹۰: ۴۹):

ب) رابطه حقوقی: تابعیت هم در نظام داخلی و هم در نظام بین‌المللی دارای آثار حقوقی است؛ برای نمونه در نظام داخلی فرد از حق رأی و حق تمتع از کلیه حقوق مدنی و تجاری برخوردار است. همچنین در نظام بین‌المللی سبب حمایت سیاسی دولت از اتباع خود در کشورهای دیگر می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۸۵):

ج) رابطه معنوی: تابعیت عامل پیونددهنده اتباع یک کشور از نظر عادات و رسوم مشترک به دولتی معین است؛ بنابراین عامل مکان و زمان در آن تأثیری ندارد و تبعه یک کشور در هر کجا که باشد باز هم تبعه آن کشور است؛

د) رابطه عمومی: تابعیت رابطه‌ای بین شخص و دولت است و همان طور که گفته شده است فرد را به یک دولت معین مرتبط می‌سازد. البته اتباع یک کشور علاوه بر حقوق معین، دارای تکالیفی از جمله پرداخت مالیات، خدمت نظام وظیفه و ... می‌باشند.

۲-۱. اصول حاکم بر تابعیت

تابعیت دارای قواعد و اصول مختلفی است که در جهت حمایت مناسب و عملی از اتباع یک کشور پایه‌ریزی شده است. در این قسمت به مهم‌ترین این اصول اشاره خواهیم کرد:

الف) لزوم داشتن تابعیت: این اصل به این معنا است که هر فردی به‌طور الزامی باید به محض تولد تابعیت دولت مشخصی را داشته باشد. بنابراین هیچ فردی نباید بدون تابعیت باشد؛ زیرا تابعیت یکی از حقوق اولیه انسان‌ها است که در اسناد حقوق بشری نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی مقرر می‌دارد: هر کس از داشتن حق تابعیت بهره‌مند است و هیچ کس به‌نحو خودسرانه از تابعیتش محروم نخواهد شد (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۱۵). همچنین اصل ۳ اعلامیه حقوق کودک به‌صراحت مقرر می‌کند: کودک باید از بدو تولد صاحب ملیت گردد (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۶۰). در ضمن کنوانسیون حقوق کودک از دولت‌های عضو خواسته است تا کودکان صرف‌نظر از اصل و نسب والدین، گرفتار بی‌تابعیتی نگردند و در جهت جلوگیری از بی‌تابعیتی کودکان، اعمال سیستم خاک را بدون لحاظ تابعیت والدین پیشنهاد کرده است. ماده ۹۸۸ قانون مدنی نیز به این اصل توجه داشته است؛

ب) وحدت تابعیت: اصل در تابعیت این است که هر فرد می‌تواند تنها یک تابعیت داشته باشد. شخصی که دارای دو تابعیت است، دو حق و دو تکلیف دارد و باعث حقوق مضاعف می‌شود که خود عامل مشکلات زیادی از جمله پرداخت دو مالیات، خدمت سربازی برای دو کشور می‌شود (نصیری، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۱). ماده ۹۸۹ قانون مدنی حاوی این اصل است. در مقدمه کنوانسیون لاهه (۱۹۳۰ میلادی) ذکر شده است که «به نفع جامعه بین‌المللی است که هر فرد دارای یک تابعیت باشد و جز آن تابعیت دیگری نداشته باشد.»

ج) تغییر پذیری تابعیت: تابعیت یک امر تغییر پذیر است. مطابق اصل ۴۱ قانون اساسی، تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید. بنابراین تغییر تابعیت مستلزم خروج از تابعیت موجود و کسب تابعیت جدید است.

۲. نسب

با توجه به اینکه قانون‌گذار ایرانی در تعیین تابعیت، سیستم خون را در بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی پذیرفته است، به همین جهت مشخص شدن تابعیت هر شخص منوط به احراز نسب او است. در این قسمت سعی خواهیم کرد تا با بررسی معیار نسب از منظر فقهی و حقوقی، تکلیف نسب اطفال متولد از روش‌های جدید باروری را مشخص کنیم.

در قانون مدنی ایران تعریفی از نسب ارائه نشده است. با وجود این برخی از حقوق‌دانان تعاریفی را ارائه نموده‌اند؛ برای مثال مرحوم دکتر امامی بیان می‌کند: «نسب امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید. از این امر، رابطه طبیعی و خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد، موجود می‌گردد» (امامی، بی‌تا/۵: ۱۵۱).

۱. نسب پدری: از نظر دانش پزشکی منشأ پیدایش و ماده سازنده جنین از ناحیه پدر، اسپرم موجود در منی انسان است و در این تردیدی نیست. از سوی دیگر، عرف هم معیار و ملاک نسب و ارتباط بین دو انسان را پیدایش یکی از دیگری می‌داند و بر این اساس برای بیان این امر واقعی و تکوینی، عنوانی به نام نسب انتزاع می‌کند. این امر به وضوح در آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد؛ از جمله آیه ۵۴ سوره فرقان «و هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا...» که منظور از «ماء» نطفه است و از تفریع جعل بر «خلق من الماء بشرا» استفاده می‌شود که همان بشر خلق شده از آب دارای نسب است و این همان برداشت عرفی از نسب است که منشأ نسب را پیدایش و تکون از آب نطفه می‌داند و اعتبار عرف منشأ واقعی دارد (رضانیا معلم، ۱۳۸۰: ۳۲۲-۳۲۱).

به هر جهت از مجموع دلایل موجود این گونه برداشت می‌شود که نسب منشأ تکوینی و واقعی دارد. در واقع پیش از اسلام، نسب از پیدایش یک انسان، از ترکیب نطفه وارد شده مرد به رحم زن حاصل می‌شده است و این امر منشأ اصلی الحاق طفل به مرد و اساس تحقق نسب بوده است و پس از ظهور اسلام هم این مبنای طبیعی و واقعی مورد انکار و رد قانون‌گذار اسلامی قرار نگرفته است (شهیدی، ۱۳۷۵: ۱۶۴)؛

۲. نسب مادری: در این رابطه نظرات مختلفی وجود دارد. دسته اول مادر را کسی می‌دانند که فرزند را زاییده است. مستند این افراد آیه ۲ سوره مجادله است که می‌فرماید: «الذین یظاهرون منکم من نساہم ما هن

امهاتهم ان امهاتهم الا اللائی ولدنهم»^۱ اطلاق آیه همراه با ادات حصر دلالت بر این امر دارد که مادر فقط کسی است که فرزند را زاییده است. در نتیجه اگر طفلی در رحم اجاره‌ای رشد کند، صاحب رحم مادر اوست. برخی از فقها این نظر را نپذیرفته‌اند و معتقدند این آیات چنین دلالتی ندارد؛ به دلیل اینکه اولاً کلمه «ولدن» به معنای زایمان نیست؛ بلکه در کتاب و سنت و کلمات فقها هر جا سخن از زایمان آمده است، با عبارت وضع حمل بیان شده است.^۲ ثانیاً این کلمه برای پدر نیز استعمال شده است.^۳ علاوه بر این، استناد به آیاتی که بنا بر مفهوم مخالفش مادر را کسی می‌داند که مشقت بارداری را تحمل کرده است و در غیر این صورت مادر نیست، استناد صحیحی نیست؛ زیرا این آیات مفهوم ندارند و قید «حامله» غالبی است و الا ممکن است مادری باشد که حامل نباشد و ممکن است زنی حامل کودکی باشد و مادر او نباشد (قبله‌ای خوبی، ۱۳۸۴: ۲۳۳-۲۳۲).

دسته دوم بر این باورند که در انتساب فرزند به مادر دو عامل تعیین‌کننده است. عامل اول پیدایش از تخمک و عامل دوم ولادت و حمل توسط زن است (یحیی عبدالرحمن، ۱۴۱۸: ۱۵۵).

دسته سوم معتقدند که صاحب تخمک، مادر محسوب می‌شود؛ زیرا از نظر عرف مادر کسی است که در اولین مرحله آفرینش کودک دخالت دارد؛ زیرا نطفه از ترکیب تخمک و اسپرم حاصل می‌شود و تغذیه، رشد و... فقط نقش استمرار بقا را دارد. علاوه بر این از نظر پزشکی منشأ پیدایش و سلول سازنده جنین از ناحیه مادر، تخمک زن است و بر اساس آخرین یافته‌های علوم پزشکی، رحم زن به جز نقش‌هایی که در تغذیه، رشد، حفظ و... دارد نقش دیگری ندارد. در عرف گذشته راه تشخیص پیدایش و تکون، زاییدن و زایمان بود؛ ولی این معیار بعد از پیشرفت‌های علمی و کشف منشأ پیدایش جنین، اعتبار گذشته خود را ندارد؛ یعنی اماره بودن زایمان مطلق نیست و از نظر قضایی اثبات خلاف اماره امکان‌پذیر است (رضانیا معلم، ۱۳۸۹: ۳۲۲-۳۲۱).

بنابراین با توجه به دلایل محکم و منطقی دسته سوم و ضعف دلایل دسته‌های قبلی، معیار نسب از لحاظ پدری اسپرم مرد و از لحاظ مادری تخمک زن است.

۳. روش‌های نوین باروری^۴ و تعیین تابعیت

یکی از مشکلات عمده در سال‌های نه‌چندان دور، ناباروری هر یک از زوجین بود. بالاخره با پیشرفت‌های علم پزشکی، اولین کودک حاصل از روش‌های نوین باروری در سال ۱۹۷۸ میلادی به نام

۱. این گروه به آیات دیگری از جمله آیه ۱۵ سوره احقاف که می‌فرماید: «ووصینا الانسان بوالدیه احسانا حملته امه کرها و وضعته کرها» (مادرش با تحمل رنج او را باردار شد و با تحمل رنج به دنیا آورد). همچنین آیه ۱۴ سوره لقمان «ووصینا الانسان بوالدیه حملته امه وهنا علی وهن» (مادرش به او باردار شد، سستی به روی سستی) استناد می‌کنند.

۲. مانند آیه ۳۶ سوره آل عمران: «فلما وضعها اثنی و الله اعلم بما وضعت»

۳. آیه ۳ سوره بلد: «ووالد و ما ولد»

4. Assisted Reproductive Techniques

لوئیس براون^۱ به دنیا آمد. لوئیس براون، اولین نوزاد آزمایشگاهی، دختری بود که با وزن ۲/۶۱ کیلوگرم به روش سزارین، در بیمارستان عمومی اولدهام در شمال غرب انگلیس به دنیا آمد. والدین او لسلی و جان ۹ سال تلاش کرده بودند تا بچه‌دار شوند اما به علت انسداد لوله‌های تخمدان لسلی براون موفق نشده بودند. این تحول عظیم در جهان پزشکی به کمک ناباروران آمد و توجه همه جهانیان را به این پدیده جلب کرد و بعد از این تاریخ بود که مؤسسات پزشکی تولید مثل در اروپا شکل گرفتند و از اواخر قرن بیستم وارد کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران شدند (صادقی‌مقدم، ۱۳۸۳: ۳۳؛ فیض‌اللهی، ۱۳۸۹: ۲).

منظور از باروری مصنوعی، دخالت غیرطبیعی بشر در عملیات لقاح است؛ به‌گونه‌ای که گاهی لقاح^۲ داخل بدن زن صورت می‌گیرد و گاهی سلول‌های جنسی در محیط خارجی و در آزمایشگاه بارور می‌شوند و پس از تشکیل جنین بسته به مورد قبل یا بعد از تکثیر سلولی به رحم زن منتقل می‌شود (افلاطونیان و حبیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۰).

با توجه به اینکه در این نوع باروری‌ها وجود سلول‌های جنسی نر و ماده و نزدیکی بین آن دو ضروری است، شیوه‌های مجاورت و نزدیکی سلول‌های جنسی با توجه به نوع بیماری مبتلایان به نازایی، آداب‌ورسوم، مذهب و باورهای دینی و اجتماعی جوامع گوناگون متفاوت است. بنابراین ضمن بیان هر یک از روش‌های لقاح مصنوعی، تابعیت این اطفال را با توجه به نوع شکل‌گیری آن‌ها بررسی خواهیم کرد. بدیهی است که با مشخص شدن نسب این افراد، تابعیت آنان طبق معیاری که برای آن در قسمت قبل ارائه کردیم، مشخص می‌شود؛ چراکه تنها قانونی که در رابطه با این اشخاص تصویب شده است، قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ است که در رابطه با تابعیت این افراد ساکت است. به همین جهت با رجوع به ماده ۹۷۶ قانون مدنی باید تابعیت آن‌ها را مشخص کرد.

۳-۱. روش‌های لقاح داخل رحمی

روش‌های لقاح داخل رحمی روش‌هایی هستند که در آن لقاح بین سلول‌های جنسی نر و ماده در داخل بدن زن صورت می‌گیرد. مهم‌ترین روش‌های داخل رحمی عبارتند از تلقیح اسپرم به داخل رحم و تزریق هم‌زمان اسپرم و تخمک به داخل رحم.

۳-۱-۱. روش تلقیح اسپرم (IUI)^۳

در این روش اسپرم را به صورت‌های مختلف از فرد مورد نظر، یعنی شوهر زن صاحب رحم یا شخص بیگانه تهیه می‌کنند و پس از شست‌وشو و جداسازی، اسپرم‌های زنده را هم‌زمان با تخمک‌گذاری وارد رحم

1. Louise Brown
2. Fertilization
3. Intra Uterine Insemination

می‌کنند (افلاطونیان و حبیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۹؛ فیض‌اللهی، ۱۳۸۹: ۳۱). این روش معمولاً به دو حالت انجام می‌پذیرد.

۱-۱-۱-۳. A.I.H.:

در این حالت اسپرم شوهر به همسرش تزریق می‌شود؛ زیرا عواملی مانند اختلالات اسپرم، انسداد لوله‌های انتقال اسپرم و ناتوانی اسپرم در رسیدن به تخمک وجود دارند. اکثر فقها استفاده از این روش را جایز می‌دانند و معتقدند نسب فرزند متولد شده از این روش به مرد صاحب اسپرم و همسرش برمی‌گردد. هرچند این نکته را بیان کرده‌اند که این کار باید توسط شخص محرم انجام گیرد و از انجام مقدمات حرام نظیر لمس یا نگاه نامحرم خودداری شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷/۲: ۶۰۶؛ خوبی، بی‌تا: ۴۲؛ خمینی، بی‌تا/۲: ۶۲۱؛ حرم‌پناهی، ۱۳۷۶: ۱۴۷). بنابراین چنین فرزندی از نظر تابعیت مشمول بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی خواهد شد و در صورتی که اسپرم او از مرد ایرانی باشد، تابعیت ایرانی خواهد داشت؛ حتی اگر در خارج از کشور متولد شده باشد.

فرض دیگری که در این روش قابل تصور است این است که اسپرم شوهر در زمان حیات او اخذ شود و بعد از مرگ وی به همسر وی تلقیح شود یا اینکه مرد در هنگام نزدیکی با همسرش فوت کند و انعقاد نطفه پس از فوت صورت پذیرد یا اینکه اسپرم مرد را در بانک‌های اسپرم نگهداری کنند تا پس از سال‌ها یا رفع بیماری زن، با تخمک وی تلقیح و جنین تشکیل شود (صادقی مقدم، ۱۳۹۲: ۷۴). در این مورد برخی از فقها حکم به جواز تلقیح داده‌اند (فاضل لنکرانی، بی‌تا/۲: ۴۹۰) و معتقدند رابطه زوجیت میان زن و شوهر فوت شده باقی است و به ادله‌ای همچون روایات مبنی بر جواز تغسیل زوجه متوفی توسط زوج و لمس و نظر به او استناد می‌کنند (نجفی، ۱۴۰۴/۴: ۵۳). در مقابل، عده‌ای از فقها این عمل را جایز نمی‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷/۲: ۶۰۵) و به دلایلی مانند جواز ازدواج زن و شوهر مرده بعد از عده، عدم جواز استمتاع از میت و... استناد می‌کنند. برخی از آنان معتقدند زوجیت رابطه‌ای اعتباری بین زن و مرد است که با فوت یکی از آنها از بین می‌رود و استصحاب بقای زوجیت به دلیل عدم بقای موضوع فایده‌ای ندارد و روایاتی که در مورد جواز غسل مرد توسط همسرش و برعکس وجود دارد، نظر به بقای زوجیت نیست؛ بلکه به دلیل ورود نص است که به صورت تعبدی باید به آن ملتزم بود (آصف‌المحسنی، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۳).

صرف نظر از جواز یا عدم جواز چنین عملی، باید فرزند متولد از این روش را از لحاظ تابعیت، مصداق بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی دانست و فرزند را در صورتی که صاحب اسپرم ایرانی است، ایرانی بدانیم.

1. Artificial Insemination By Husband

۲-۱-۱-۳. A.I.D.:

در این حالت اسپرم مرد بیگانه را به رحم یک زن تلقیح می‌کنند. استفاده از این روش در مواردی است که همسر زن متقاضی بارداری مبتلا به بیماری آواسپرمی (فقدان صددرد اسپرم) باشد یا اینکه احتمال و خطر انتقال بیماری‌های ژنتیکی از شوهر به طفل وجود داشته باشد (افلاطونیان و حبیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۰؛ فیض‌اللهی، ۱۳۸۹: ۳۲).

در این مورد، اکثر فقهای امامیه با این روش مخالف هستند و به دلایل نقلی و عقلی متعددی استناد می‌کنند که به چند نمونه از آن‌ها اشاره خواهیم کرد. یکی از دلایل مخالفان استناد به اطلاق آیاتی است که بر لزوم حفظ فروج از بیگانه دلالت دارد؛ مانند آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور^۲ (مؤمن، ۱۴۱۵ه.ق: ۸۷). دلیل دیگر آنان اطلاق روایاتی است که در این زمینه وجود دارد؛ برای نمونه امام صادق(ع) فرمودند: «لن یعمل ابن آدم عملاً اعظم عندالله من رجل أفرغ ماءه فی امرأه حراماً» زشت‌ترین کارها نزد خداوند این است که مردی نطفه خود را به طریق حرام به رحم زنی داخل نماید (حر عاملی، ۱۴۰۳ه.ق/۱۴: ۲۳۹). همچنین برخی این عمل را از زشتی‌های ناپسند و پاک‌ناشدنی و خلاف اخلاق حسنه می‌دانند که سبب تزلزل و تنزل کرامت انسان و ایجاد بی‌نظمی اجتماعی و اخلاقی می‌گردد و در صورتی که فرزندی حاصل شود، شوهر زن نمی‌تواند او را مانند فرزند خود بپذیرد به خصوص اگر طفل مورد نظر، خصوصیات مورد نظر و دلخواه زوجین را نداشته باشد، بی‌علاقگی به او و اختلاف بین زوجین بیشتر می‌شود (امامی، ۱۳۸۲: ۲۳۹).^۳ در برابر این افراد، موافقان آیات و روایاتی را که گروه مخالف به آن‌ها استناد می‌کنند، شامل ممنوعیت تلقیح اسپرم نمی‌دانند؛ زیرا در اینجا هدف فقط بچه‌دار شدن بدون بهره‌وری جنسی است (صانعی، ۱۳۷۶: ۶۹۰؛ نایب‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۷).

به نظر می‌رسد حتی اگر قائل به نامشروع بودن نسب بین جنین و صاحب نطفه باشیم، از نظر تابعیت باید فرزند تولدیافته را در صورتی که پدر او ایرانی باشد، ایرانی بدانیم؛ چراکه قواعد مربوط به تابعیت با وجود اینکه در قانون مدنی ذکر شده است، بیشتر جنبه عرفی و وضعی دارد تا جنبه اسلامی و تحت تأثیر حقوق عرفی تدوین یافته است؛ هرچند که در حقوق اسلام نیز تفاوتی بین فرزندان مشروع و نامشروع از نظر اجرای سیستم خون نیست (دانش‌پژوه، ۱۳۸۱/۱: ۷۱).

1. Artificial Insemination By Doner

۲. آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور: «قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک أزکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون» «و قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن و یحفظن فروجهن ولا یدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لا یدین زینتهن الا لبعولتهن أو آبائهن أو ابناءهن أو ابناهن أو ابناءهن أو اخوانهن أو بنی اخوانهن أو بنی اخواتهن أو نساتهن أو ما ملکت ایمانهن أو التابعین غیراولی الاربه من الرجال أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء و لا یضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن و تو بوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون»
۳. برای ملاحظه دیدگاه‌های مخالف و موافق؛ (نک: صادقی‌مقدم، ۱۳۸۳: ۱۷۶-۱۷۱)

ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود» بدیهی است که این حکم شامل زن زناکار نیز است. بنابراین صریحاً قانون‌گذار نسب ناشی از زنا را نامشروع می‌پندارد. اما باید گفت این سخن قابل انتقاد است. برای تدقیق باید ریشه این سخن را در فقه اسلامی که قانون‌گذار نیز به تبعیت از آن چنین حکمی را صادر کرده است، بررسی کرد. در فقه دو دیدگاه در رابطه با نسب ناشی از زنا وجود دارد. طبق دیدگاه اول که نظر مشهور فقها است، نسب ناشی از زنا به صورت مطلق پذیرفته نیست و به هیچ‌یک از زانی و زانیه ملحق نیست.^۱ این گروه به حدیث فراش نیز استناد کرده‌اند و گفته‌اند چون بین زانی و زانیه و فرزند آنان ارث نفی شده است، نشانگر آن است که هیچ نسبی بین آنان برقرار نیست. نسبت به این گروه پاسخ داده شده است که اولاً اجماع مورد استناد کاشف از قول معصوم نیست و خود اجماع قطع نظر از کاشفیت اعتباری ندارد. ثانیاً حدیث فراش در موردی کاربرد دارد که ولد میان دو نفر مردد باشد که یکی فراش و دیگری زنا است. اما در جایی که فراش وجود ندارد، مانند زنا با زن بیوه و... این حدیث کاربردی ندارد (قبله‌ای خوبی، ۱۳۸۰: ۲۶۵).

طبق دیدگاه دوم طفل ناشی از زنا به زانی و زانیه ملحق می‌شود و فقط ارث به خاطر نص خاص خارج شده است (موسوی بجنوردی، ۴/۱۴۱۳: ۴۴-۴۳). یکی از فقها ضمن اشکال به حکم تحریم نگاه زانی به دختر زانی خود و زانیه به پسر زانی خود بیان می‌کند: «دختر یا پسر زانی حقیقتاً فرزند هستند؛ زیرا فرزند حیوانی است که از نطفه دیگری به وجود می‌آید و نقل این معنای عرفی به معنای شرعی خلاف اصل است و دلیلی بر ثبوت آن نیست؛ لذا اگر برخی احکام مثل ارث از این فرزندان نفی شده به فقدان برخی از شرایط مستند است و متعین نیست که نفی این نوع احکام مستند به انتفاء شرعی اسم و عنوان فرزند باشد.» (کرکی، ۲/۱۴۱۴: ۱۲۱۹۱).

با مطالعه نظرات دو گروه می‌توان به این نتیجه رسید که نسب ناشی از زنا معتبر است و همه احکام غیر از ارث بر او جاری می‌شود. همچنین بر اساس ماده ۱۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۰، ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند، باید به نماینده یا مأمور ثبت احوال اعلام شود. لفظ قانون‌گذار در همه موارد اطلاق داشته و شامل همه موارد تولد یافته طبیعی یا با استفاده از روش‌های باروری کمک‌شده خواهد شد (صادقی مقدم، ۱/۱۳۹۱: ۲۰۰). این مطلب از چنان اهمیتی برخوردار است که دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه شماره ۴۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ (قربانی، ۱۳۸۲: ۶۴۲) حتی در مورد فرزندان نامشروع، صاحب نطفه یعنی زانی را پدر عرفی تلقی کرده و برای حفظ حقوق این فرزندان،

۱. تنها موردی که از این حکم استثنا شده است، ازدواج زانی یا زانیه با طفل است که به اجماع فقها حرام است. همچنین از جهت لغتی، لفظ ولد صدق می‌کند. «لانه مخلوق من مائه فهو یسمى ولدا لغه» (نجفی، ۵۱۴۰۴: ۲۹/۲۵۷).
 ۲. فقی تحریم نظر الزانی الی بنته و الزانیه الی ابنها فیه إشکال، ینشأ من کونه ولدا حقیقه لغه، لأن الولد حیوان یتولد من نطفه آخر، و النقل علی خلاف الأصل، و لم یقم دلیل علی ثبوته، و انتفاء بعض الأحکام کالارث جاز أن ینتد إلى فقد بعض الشروط، و لا یتعین استناده الی انتفاء الاسم شرعا.

وی را مکلف به رعایت همه تکالیف مرتبط به پدر از جمله اخذ شناسنامه برای طفل به استثنای ارث نموده است.^۱ با این رأی، کودک متولد از زنا بر حسب عرف، فرزند زانی محسوب و کلیه احکام ولد به استثنای توارث بر او مترتب می‌شود. با این وصف بر اساس بند ۲ ماده ۹۷۶ هرگاه نسب طفل به پدر ایرانی اش ثابت باشد، ایرانی محسوب می‌شود خواه نسب او مشروع یا نامشروع باشد.

۳-۱-۲. تزریق هم‌زمان اسپرم و تخمک (GIFT)^۲

در این روش سلول‌های جنسی زن و مرد را به صورت هم‌زمان و توسط لاپاروسکوپ یا سوزن‌های هدایت شونده وارد لوله‌های رحم (فالوپ) می‌نمایند، در نتیجه لقاح و رشد جنین به صورت طبیعی در داخل رحم صورت می‌گیرد (غفاری، ۱۳۸۲: ۱۲). علت استفاده از این روش معمولاً عدم تخمک‌گذاری زوجه یا اختلال در آن، نقص تخمک زوجه، فاکتور دهانه رحم، اشکال در کمیت یا کیفیت اسپرم شوهر است. بنابراین در این روش هم‌زمان با اسپرم شوهر، تخمک زن دیگری به رحم زوجه تزریق می‌شود که این روش به دو صورت امکان‌پذیر است.

۳-۱-۲-۱. استفاده از تخمک زن دیگر صاحب اسپرم

در این حالت از تخمک زوجه شرعی دیگر مرد استفاده می‌شود؛ یعنی اگر مرد بیش از یک همسر داشته باشد، می‌توان از تخمک زوجه دیگر او برای زوجه‌ای که نقص باروری دارد استفاده کرد. البته استفاده از این روش تنها زمانی امکان‌پذیر است که رحم زن نابارور، قدرت و تحمل نگهداری جنین را داشته باشد. فقهای امامیه استفاده از این روش را صحیح و جایز دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۶۰۵؛ فاضل لنکرانی، بی‌تا/۲: ۴۸۹).

در این حالت نیز جنین با صاحبان اسپرم و تخمک دارای رابطه نسبی مشروع است و اگر صاحب اسپرم ایرانی باشد، تابعیت او نیز ایرانی و مشمول بند ۲ ماده ۹۷۶ خواهد بود.

۱. رأی وحدت رویه شماره ۴۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳: به موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ماده ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابوی طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید با استفاده از عموم و اطلاق مواد یادشده و مسئله ۳ و مسئله ۴۷ از موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی است و برحسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آن‌ها منتفی است و لذا رأی شعبه سی‌ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور موجه و منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

2. Gamete Intra Fallopian Transfer

۳-۱-۲-۲. استفاده از تخمک بیگانه

در این حالت از اسپرم شوهر زن متقاضی استفاده می‌شود؛ اما برخلاف حالت قبلی، از تخمک زن بیگانه که رابطه زوجیت با شوهر ندارد، استفاده می‌شود. در این مورد موافقان و مخالفانی وجود دارد. مخالفان معتقدند آیات و روایاتی که مربوط به حفظ فروج هستند، اطلاق دارند و به همین جهت در هر موردی که رابطه زوجیت در میان نباشد، این عمل ممنوع است (مکارم شیرازی، ۲/۱۴۲۷: ۶۰۵؛ فروزانفر و مزروعی، ۴/۱۳۸۴: ۱۱۵). اما موافقان معتقدند از آیات و روایات، تصریحی در خصوص ممنوعیت وارد کردن تخمک زن بیگانه در رحم یک زن به نظر نمی‌رسد؛ زیرا با شک در شمول آیات و روایات در مورد روش‌های باروری مصنوعی باید به اصل اباحه و برائت استناد کرد و تا هنگامی که دلیل قطعی بر حرمت این عمل وجود نداشته باشد، حکم حلیت بر آن بار می‌شود (یزدی، ۱۳۷۵: ۹۸؛ فاضل لنکرانی، بی تا/۴۸۹).

صرف نظر از جواز یا عدم جواز چنین عملی که بین فقها و حقوق‌دانان بحثی اختلافی است، تابعیت فرزند متولد از چنین روشی مشمول بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی خواهد بود؛ زیرا آنچه به عنوان ملاک تابعیت مدنظر قانون‌گذار قرار گرفته است، نسب پدری جنین است، نه نسب مادری او.

بنابراین در این حالت که تخمک زن دیگری اعم از زوجه صاحب نسب یا زن اجنبی، جایگزین تخمک زن متقاضی بارداری می‌شود، نسب پدری او بدون تغییر است و در صورتی که صاحب اسپرم (پدر) ایرانی باشد، جنین متولد از این روش نیز ایرانی خواهد بود؛ هر چند در خارج از ایران متولد شده باشد.

۳-۲. روش‌های لقاح خارج رحمی

منظور از روش‌های خارج رحمی، روش‌هایی است که در آن‌ها تلقیح بین سلول‌های جنسی نر و ماده خارج از رحم زن رخ می‌دهد. مهم‌ترین روش‌های خارج از رحمی عبارتند از روش کشت گامت مؤنث و اسپرم در محیط آزمایشگاه و به دنبال آن انتقال مستقیم به داخل رحم (ZIFT)، روش تشکیل و انتقال جنین (IVF) و روش تزریق اسپرماتوزوئید به داخل سیتوپلاسم (ICSI). بنابراین ضمن آشنایی با هریک از این روش‌ها، تابعیت فرزند متولد از آن‌ها را بررسی خواهیم نمود.

۳-۲-۱. روش تلقیح سلول جنسی بارور شده (ZIFT)^۱

در این روش اسپرم شوهر یا مرد بیگانه را پس از تهیه و شست‌وشو و آماده‌سازی، در محیط آزمایشگاه در مجاورت تخمک زن قرار می‌دهند و بعد از انجام لقاح بین سلول‌های جنسی زن و مرد و تشکیل جنین و قبل از مرحله تکثیر سلولی، جنین تشکیل یافته را به وسیله لاپاراسکوپ به داخل لوله رحم منتقل می‌کنند تا جنین رشد طبیعی خود را بعد از آن در داخل رحم طی کند. البته در این روش جنین تشکیل شده را قبل از مرحله تکثیر سلولی که به صورت جنین تک‌سلولی که ۱۸ تا ۲۴ ساعت پس از تلقیح قابل مشاهده است، به لوله‌های رحم منتقل می‌کنند. غالباً علت استفاده از این روش عواملی، مانند قادرنبودن اسپرم در نفوذ به

1. Zygote Intra Fallopian Transfer

داخل لوله رحم یا عجز شوهر شرعی از تولید مثل طبیعی است (سولز، ۱۳۷۵: ۷۶۰؛ فیض‌اللهی، ۱۳۸۹: ۳۶).

در این روش نیز در مورد صحت انتقال جنین قبل از مرحله تکثیر سلولی بین فقها و حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد؛ اما به‌طور کلی در صورتی که اسپرم و تخمک هر دو از زن و شوهر شرعی تهیه شود، اگر پدر جنین ایرانی باشد، فرزند متولد از آن‌ها نیز ایرانی خواهد بود. همچنین در صورتی که هر یک از اسپرم یا تخمک مربوط به فردی بیگانه، یعنی غیر از زن و شوهر شرعی باشد، ملاک در تابعیت فرزندی که از این روش متولد می‌شود، تابعیت صاحب اسپرم است. بنابراین در صورتی که صاحب اسپرم ایرانی باشد، جنین نیز ایرانی خواهد بود و نسب مادری جنین در تابعیت او تأثیری نخواهد داشت.

۲-۳. روش انتقال جنین (IVF)^۱

امروزه شایع‌ترین روش باروری مصنوعی استفاده از روش IVF است. این روش اولین بار در سال ۱۹۷۸ میلادی توسط دکتر رابرت جفری ادواردز^۲ که به پدر نوزادان آزمایشگاهی مشهور بود، در جهان مطرح شد و سبب شد پیشرفت چشمگیری در حوزه ناباروری اتفاق بیفتد. در این روش ابتدا تخمدان‌های فرد توسط دارو تحریک می‌شود تا رحم بتواند تخمک‌های زیادی تولید کند. پس از جمع‌آوری تخمک‌ها از دیواره رحم، اسپرم‌های لازم برای لقاح با تخمک آماده می‌شوند و در آزمایشگاه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا امکان لقاح فراهم شود. در مرحله بعد که جنین تشکیل شد، جنین توسط دستگاه‌ها و سوزن‌های خاص پزشکی داخل لوله رحم زن متقاضی قرار خواهد گرفت. معمولاً استفاده از این روش در مواقعی است که استفاده از روش‌های داخل رحمی امکان‌پذیر نباشد یا مرد دارای اسپرم‌های بسیار ضعیف باشد یا در لوله رحم زن، انسداد وجود داشته باشد (فیض‌اللهی، ۱۳۸۹: ۳۹).

صرف‌نظر از اینکه مشروعیت این عمل دارای موافقان و مخالفانی است، به بررسی تابعیت فرزندان حاصل از این روش می‌پردازیم. همان‌گونه که در فروض گذشته نیز ذکر شد، ملاک تابعیت در حقوق ایران نسب پدری است. بنابراین در این روش، جنین تابعیت صاحب اسپرم را خواهد داشت؛ خواه صاحب اسپرم همسر شرعی زوج متقاضی باشد یا با زوج متقاضی بیگانه باشد. اما در صورتی که تابعیت صاحب اسپرم و به عبارتی پدر به دلایلی از قبیل رعایت اصل محرمانگی انتقال جنین نامعلوم باشد، باید مطابق بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی او را تبعه ایران دانست. البته این امر در صورتی تحقق می‌یابد که جنین طفلی در ایران متولد شده باشد.

1. In Vitro Fertilization
2. Robert Geoffrey Edwards

۳-۲-۳. روش میکرواینجکشن یا تزریق اسپرماتوزوئید به داخل سیتوپلاسم (ICSI)

در این روش اسپرماتوزوئید به داخل سیتوپلاسم تخمک تزریق می‌شود و پس از تحقق لقاح در آزمایشگاه طی گذشت مدت دو روز و حداکثر سه روز از رشد لقاح، جنین وارد رحم می‌شود (افلاطونیان و حبیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۰).

این روش در مواردی که اسپرم‌های مرد در نفوذ به داخل تخمک به علت عدم تحرک کامل یا تحرک خیلی کم ناتوان هستند، مشاهده می‌شود. میکرواینجکشن در واقع روش پیشرفته‌تری از IVF است که همان احکام بر آن بار می‌شود. بنابراین همان‌گونه که در روش قبلی گفتیم جنین متولد از این روش نیز در صورتی که پدری ایرانی داشته باشد، او نیز دارای تابعیتی ایرانی خواهد بود و ملاک در نسب، مرد صاحب اسپرم است.

۳-۳. رحم جانشین یا اجاره‌ای

استفاده از این روش معمولاً در دو مورد کاربرد دارد.

۳-۳-۱. جایگزینی نسبی^۲

در این روش به علت عدم تولید تخمک توسط زن متقاضی جنین، تخمک زن دیگری را که معمولاً از وابستگان و آشنایان است، تهیه می‌کنند و بعد از تلقیح با اسپرم شوهر زن متقاضی در آزمایشگاه، جنین به رحم اجاره‌ای منتقل می‌شود (آرامش، ۱۳۸۷: ۳۷).

در این روش فقط تخمک زن دیگری غیر از زوجه متقاضی تغییر یافته است و اسپرم شوهر تغییری نیافته است. پس فرزند متولد از این روش، تابعیت پدر خود را طبق بند ۲ ماده ۹۷۶ دارا است.

۳-۳-۲. جایگزینی کامل^۳

در صورتی که زن و شوهر متقاضی جنین دچار مشکلی از نظر رحم و تخمک نباشند، بلکه تنها زن متقاضی قادر به حمل جنین در رحم نباشد، در این صورت اسپرم و تخمک زوجین متقاضی در آزمایشگاه تلقیح و به رحم زن دیگر منتقل می‌شود.

در این روش به وضوح مشخص است که زن گیرنده هیچ رابطه ژنتیکی با فرزند متولد از این روش ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۲۴) مگر اینکه تنها به دلیل ارتزاق جنین از وی، در حکم مادر رضاعی و در نتیجه با وی محرم است (یزدی، ۱۳۷۵: ۱۱۸) و پدر و مادر او همان زوج متقاضی هستند که نطفه فرزند از آن دو تشکیل شده است. در نتیجه فرزند، تابعیت پدر خود را می‌گیرد و مشمول بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی می‌شود.

لازم به ذکر است در تمام فروضی که ذکر شد، طبق بند ۴ ماده ۹۷۶ در صورتی که طفل در ایران و از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران به دنیا آمده باشد، متولد شود، تابعیت ایرانی خواهد داشت.

1. Intra Cytoplasmic Spermatozoa Injection
2. Partial Surrogacy
3. Full Surrogacy

بنابراین اگر مادر چنین طفلی یعنی صاحب تخمک، در ایران تولد یافته باشد، طفل نیز در صورت تولد در ایران، ایرانی محسوب خواهد شد.

۴. رفع تناقض ظاهری

یکی از معضلاتی که در عمل مشکلات فراوانی از جمله عدم آگاهی طفل از تابعیت پدر و مادر ژنتیکی خود ایجاد می‌نماید، اصلی است که تحت عنوان اصل محرمانگی یا ناشناخته‌بودن یا رازداری مطرح است. بدین معنا که اطلاعات مربوط به اهداکنندگان و اهداگیرندگان گامت باید نسبت به همدیگر مخفی بماند. همچنین طفل متولدشده از این روش نباید اطلاعی از پدر و مادر واقعی و ژنتیکی خود داشته باشد. محرمانه‌بودن یا نبودن اهدای گامت از مسائل اختلافی بین علمای حقوق، روان‌شناسی و اخلاق است؛ به‌صورتی که موافقان و مخالفان آن برای اثبات مدعای خود به دلایلی استناد می‌کنند. برای مثال موافقین محرمانگی معتقدند محرمانگی سبب سلب مسئولیت‌دهنده در برابر کودک است. از طرف دیگر با توجه به اینکه والدین حق دارند مسائل خصوصی خود را محرمانه نگه دارند، اهدای ناشناخته این حق را برای والدین محفوظ نگه می‌دارد. همچنین باعث استقلال خانواده‌گیرنده می‌شود و از دخالت‌های احتمالی اهداکننده در فضای خانوادگی و تربیتی کودک جلوگیری می‌کند (یاوری و متوسلی، ۱۳۸۴: ۳۹۵-۳۹۴).

اما مخالفین محرمانگی بر این باورند که عدم تشابه ظاهری و جسمی کودک با والدین ممکن است برای خود کودک یا اطرافیان سؤال برانگیز شود و والدین مجبور به افشای راز اهدای گامت برای کودک می‌شوند. دلیل دیگر اینکه در صورت نیاز کودک به هر گونه مداخله پزشکی اساسی و اورژانسی، شناخت منشأ ژنتیکی وی ضروری است. از سوی دیگر بر مبنای قانون اغلب کشورها، دهندگان گامت هیچ گونه حقی در مورد فرزند حاصل ندارند. لذا در صورت افشای راز اهداکننده، والدین نگرانی در مورد پرورش کودک خود ندارند (پوربخش، ۱۳۸۸: ۱۷۶-۱۷۵).^۱

از نظر حقوقی، به اعتقاد برخی حقوق‌دانان اصل محرمانگی گامت مخالف با کنوانسیون حقوق کودک است؛ زیرا حق شناسایی پدر و مادر را که از اصول طبیعی و بنیادین بشری است، از کودک سلب می‌کند (صفایی، ۱۳۸۴: ۱۷۳). چنانکه در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق کودک که در سال ۱۹۵۹ میلادی منتشر شد و به‌عنوان اولین سند حقوقی مستقل برای کودکان محسوب می‌شود، ذکر شده است که «کودکان بایستی دوران کودکی خود را با خوشبختی و آسایش بگذرانند و از حقوق اجتماعی ویژه برخوردار گردند.» (مرقاتی، ۱۳۸۴: ۲۳۸). در مقابل برخی کشورها، مانند فرانسه بر محرمانه‌بودن هویت اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان تصریح کرده‌اند. طبق ماده ۸-۱۶ قانون مدنی فرانسه «... نه اهداکننده می‌تواند هویت دریافت‌کننده را بشناسد و نه دریافت‌کننده هویت اهداکننده را» (نک: ۵-۱۲۱۱ قانون سلامت عمومی فرانسه). در کشور فرانسه این مسئله محل بحث زیاد بوده است؛ خصوصاً در رد آن گفته‌اند که مخالف ماده ۷ کنوانسیون حقوق

۱. برای ملاحظه دلایل موافقین و مخالفین رازداری در اهدای جنین؛ (نک: یاوری و متوسلی، ۱۳۸۴: ۳۹۴ به بعد)

کودک است که به طفل حق می‌دهد پدر و مادر خود را بشناسد. در پاسخ گفته‌اند مقصود ماده ۷ کنوانسیون، پدر و مادر بیولوژیکی نیست؛ بلکه پدر و مادر قانونی است که بر دریافت کنندگان گامت یا جنین هم صدق می‌کند. همچنین این شرط بر اساس مصلحت طفل به‌ویژه از دیدگاه روان‌شناسی مورد انتقاد واقع شد؛ زیرا چه‌بسا طفل از این وضعیت دچار ناراحتی روانی خواهد شد؛ به‌طوری که تعدادی از فرزندخواندگان با ناراحتی به جست‌وجوی پدر و مادر واقعی خود می‌پردازند. با وجود این نظر غالب حقوق‌دانان این کشور بر مکتوم‌ماندن اهدای گامت بوده که مدنظر قانون‌گذار نیز واقع شده است. به هر حال قانون‌گذار فرانسوی برای این شرط ضمانت اجرای کیفری تعیین نموده و در عین حال نیز محدودیت‌هایی برای آن قائل شده است؛ مانند اینکه از یک سو باید اطلاعات مفید درباره اهداکننده به مقامات بهداشتی ذی‌ربط داده شود و از سوی دیگر در صورت ضرورت درمانی، پزشک می‌تواند به اطلاعات پزشکی راجع به اهداکننده که مشخص‌کننده هویت او باشد دسترسی پیدا کند (صفایی، ۱۳۸۴: ۱۷۳-۱۷۴). در ایران مطالعاتی که بر روی نظرات دهندگان و گیرندگان گامت و جنین انجام گرفته، نشان داده است که بیش از ۵۰ درصد این افراد موافق شناخت فرد گیرنده و دهنده بوده‌اند (تاتاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۴).^۱

در حقوق ایران تنها مقرره‌ای که ظاهراً بر محرمانه‌بودن اهدای جنین و گامت دلالت دارد، آیین‌نامه اجرایی نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب سال ۱۳۸۳ است که از ماده ۲۳، بند ۳ ماده ۳۶ و ماده ۴۱۰ این مفهوم قابل برداشت است. اما از این ظاهر باید عبور کرد و به آزادبودن طفل در اطلاع از هویت و اطلاعات پدر و مادر ژنتیکی اش قائل بود. مستند ما بر این مدعا قرینه‌هایی است که در قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور وجود دارد. یکی از این قرائن لفظ «رعایت ضوابط شرعی» است که در ماده ۹ این قانون به آن تصریح شده است. یکی از این ضوابط شرعی که برای شارع اسلامی فوق‌العاده مهم است و به مناسبت در کلام فقها نیز مورد اشاره قرار گرفته است، پرهیز از اختلاط انساب است. برای مثال یکی از فقها با این بیان که حفظ انساب از حکمت‌های خداوند متعال است، فلسفه حرمت ازدواج دو مرد به‌صورت

۱. برای آگاهی از اطلاعات مربوط به سایر کشورها (نک: تاتاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۰ به بعد)

۲. ماده ۳: «اهدای جنین در مراکز تخصصی با احراز هویت اهداکنندگان و به‌صورت کاملاً محرمانه انجام می‌گیرد.»

۳. ماده ۶: «مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری مکلف هستند نسبت به موارد زیر اقدام نمایند: ... ت) دریافت، نگهداری و انتقال جنین‌های اهدایی در شرایط کاملاً محرمانه. تبصره: اطلاعات مربوط به جنین‌های اهدایی، جز اطلاعات به‌کلی سری طبقه‌بندی می‌شوند.»

۴. ماده ۱۰: «ارائه مدارک و اطلاعات مربوط به اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان جنین اهدایی تنها با رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی و به مراجع قضایی صلاحیت‌دار مجاز است.»

۵. ماده ۱: «به‌موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی‌صلاح مجاز خواهند بود، با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون، نسبت به انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آن‌ها (هر یک به‌تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده است، اقدام نمایند.»

هم‌زمان با یک زن را اختلاط نسب‌ها می‌داند^۱ (حلی، ۱۳۸۸ ه.ق: ۶۳۹). بنابراین لازمه جلودگیری از اختلاط نسب‌ها، آگاهی طفل از پدر و مادر حقیقی و ژنتیکی خود است تا مبادا در آینده و از روی جهل با یکی از محارم خود ازدواج کند.

یکی دیگر از قرینه‌ها، ماده ۳ این قانون است که با استفاده از واژه «نظیر»، مادر و پدر واقعی طفل را اهداکنندگان می‌داند نه اهداگیرندگان و همین امر گویای این واقعیت است که قانون‌گذار بر مصلحتی مهم و اساسی که همان حفظ انساب است، تاکید داشته است و به طرق مختلف هرچند غیرصریح سعی در بیان این مهم داشته است.

علاوه بر این، در قانون مذکور سخنی از محرمانه‌بودن اهدای جنین به میان نیامده است؛ بلکه تنها در آیین‌نامه آن اشاراتی به این امر شده است. فلسفه وضع آیین‌نامه نیز بیان شیوه‌های اجرای قانون است و نه سلب حقوق قانونی اشخاص؛ به همین جهت مطابق با اصل ۱۷۳ قانون اساسی^۲، آیین‌نامه مذکور قابل ابطال است.^۳ با توجه به دلایل و مستنداتی که ذکر شد در حقوق ایران باید طفلی را که از طریق باروری‌های جدید پزشکی متولد می‌شود، مانند سایر انسان‌ها دانست و به او حق داد تا طبق عدالت و اصول اخلاقی از پیشینه و هویت خود آگاه شود.

ممکن است این اشکال مطرح شود که با وجود بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، در اشخاصی که تابعیت آنان نامعلوم باشد، مانند طفلی که پدر او معلوم نیست، دیگر با مشکل ابهام در تابعیت برخورد نمی‌کنیم؛ زیرا این بند تکلیف تابعیت را آشکار کرده است و وی را تبعه ایران دانسته است. اما در پاسخ باید گفت این فرض طبق نص صریح بند ۳ ماده ۹۷۶ در صورتی قابل اعمال است که طفل در ایران متولد شود؛ اما در صورتی که در کشوری خارجی متولد گردد، نمی‌توان این ماده را قابل اعمال دانست و همان‌گونه که اشاره شد، یکی از حقوق بنیادین او یعنی تابعیت، در معرض تضییع قرار می‌گیرد.

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. «ان من حکمه الله تعالی حفظ الانساب لأجل تربیت الاولاد و قیام النظام فی النوع الانسانی بتحریم ما اقتضی الشرع تحریمه و اباحه ما اقتضی الشرع اباحته و من الاصول الممهدة فی ذلک تحریم زوجین علی امراه واحده فلو عقدت علی اثنتین دفعه کان العقد فاسدا اذا الجمع بین الزوجین فی النکاح یؤدی الی اختلاط المیاه و اشتباه الانسان فینفی کل واحد نسب الولد عن نفسه فیضیح و لهذا لم یکن الجمع بین زوجین مشروعاً فی دین من الادیان فلو تزوج احدی اثنتین إحداهما معتدة الغیر او منکوحته صح نکاح الفارغه لأنه لم یتحقق الجمع بین الزوجین و علیه جمیع ما سمتا لها عند ابی حنیفه لأن‌ها ما رضیت الا بهذا القدر فاذا الفا ذکر احدهما و صح ذکر لآخر لا ینقص عما رضیت و عند ابی یوسف و محمد یجب نصف ما سمیا کما لو تزوج امراتین بالف و إحداهما لا تحل له صح نکاح من تحل له بجمیع الالف عنده و عندهما بنصفهما»

۲. اصل ۱۷۳ قانون اساسی: «به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.»

۳. برای ملاحظه استدلال حقوقی مبنی بر اشکالات فراوان این آیین‌نامه؛ (نک: محمدی‌باردنی، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۶).

نتیجه

تابعیت اطفالی که از روش‌های نوین باروری متولد می‌شوند، بر اساس نسب آن‌ها تعیین می‌شود. این ملاکی است که قانون‌گذار در بند ۲ ماده ۹۷۶ مقرر کرده است. طبق دلایل و مستندات که ذکر شد نسب چنین طفلی از جانب پدر منتسب به مرد اسپرم‌دهنده و از جانب مادر منتسب به زن تخمک‌دهنده است. اگرچه برخی از حقوق‌دانان با استناد به ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی که طفل متولد از زنا را ملحق به زانی نمی‌داند و معتقدند که منظور از نسب در بند ۲ ماده ۹۷۶ تنها نسب مشروع است، باید توجه داشت که حکم ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی یک قاعده عام نیست؛ بلکه تنها در برخی از مسائل حقوقی مانند توارث جاری است که در این صورت، فرزند نامشروع از پدر و مادرش ارث نمی‌برد. اما از نظر سایر حقوق، از جمله در بحث تابعیت (بند ۲ ماده ۹۷۶) منظور مطلق نسب اعم از مشروع و نامشروع است. طفلی که از اسپرم مرد ایرانی متولد شود، صرف نظر از اینکه نسب او مشروع یا نامشروع باشد، خواه در ایران متولد شود یا خارج از ایران، تابعیت ایرانی خواهد داشت؛ زیرا تابعیت، عمل حاکمیتی دولت‌ها است که طبق ضوابطی به اشخاص واجد شرایط اعطا می‌کنند؛ هرچند از برخی حقوق مانند توارث به موجب نص خاص محروم خواهد شد. همچنین این توهّم را که در حقوق کنونی ایران، اصل رازداری در اهدای جنین به استناد آیین‌نامه قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور جاری است، باید از ذهن زدود و به جهت حفظ مصالح اساسی، مانند هر انسان دیگری حق اطلاع طفل از هویت پدر و مادر ژنتیکی اش را به او داد یا چنانچه بخواهیم متعادل‌تر عمل کنیم؛ حداقل مانند قانون فرانسه باید بر این باور باشیم که در مورد اطلاعات مفید و ضروری، این امکان به شخص متولدشده از روش‌های جدید باروری داده شود تا از اطلاعات مربوط به هویت خویشتن که یکی از آن‌ها تابعیت است، آگاهی یابد؛ در غیر این صورت یکی از حقوق بنیادین او را نادیده گرفته‌ایم. به نظر می‌رسد با راه‌حل اخیر بتوانیم تا حدود زیادی بین مصلحت کودک در آگاهی از هویت ذاتی اش و مزایای محرمانگی در اهدای گامت و جنین، تفاهم و سازگاری به وجود آوریم و این همان ملاکی است که قانون‌گذار ایرانی با توجه به کاربرد روزافزون این بحث در جامعه امروزی شایسته است بر طبق آن مقررات صریحی وضع کند تا آشفته‌گی در این حوزه را کاهش دهد.

منابع

فارسی

- آرامش، کیارش (۱۳۸۷)، «بررسی اخلاقی رابطه پولی در رحم جایگزین»، فصلنامه باروری و ناباروری، شماره اول، سال نهم، شماره پیاپی ۳۴.
- آل‌کجباف، حسین (۱۳۹۰)، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی ۱، چاپ هشتم، تهران: انتشارات جنگل.
- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: سمت.
- افلاطونیان، عباس؛ حبیب‌زاده، ویکتوریا (۱۳۸۰)، روش‌های نوین درمان نازایی، تهران: انتشارات تیمورزاده.
- امامی، اسدالله (۱۳۸۲)، «وضعیت حقوقی باروری مصنوعی و انتقال جنین»، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سازمان سمت.

- امامی، سیدحسین (بی‌تا)، حقوق مدنی، ج ۵، تهران: انتشارات اسلامیه.
- پور بخش، سیدمحمدعلی (۱۳۸۸)، «درمان ناباروری و رازداری در اهدای گامت»، فصلنامه اخلاق پزشکی، تهران، سال ۳، شماره ۷.
- تاتاری، فرین؛ محمدپور، یوسف؛ شمسی، احسان؛ عباسی، محمود (۱۳۹۳)، «بررسی ابعاد اخلاقی اهدای جنین و گامت از منظر اصول چهارگانه اخلاق پزشکی»، فصلنامه اخلاق پزشکی، تهران، سال ۸، شماره ۲۷.
- حرم‌پناهی، محسن (۱۳۷۶)، «تلقیح مصنوعی»، فقه اهل بیت، قم، سال ۷۶، شماره ۱۰، تابستان.
- دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۸۱)، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱. تهران و قم: مرکز چاپ و انتشارات صحیفه وزارت امور خارجه و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۸۲)، «تابعیت طفل طبیعی در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، تهران، سال ۱۳۸۲، شماره ۳۶، پاییز.
- رضانیامعلم، محمدرضا (۱۳۸۰)، «وضعیت حقوقی (نسب) کودک ناشی از انتقال جنین»، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سازمان سمت.
- رضانیامعلم، محمدرضا (۱۳۸۹)، باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۵)، مجموعه مقالات حقوقی، چاپ اول، تهران: نشر حقوق‌دان.
- صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۸۳)، «باروری مصنوعی از دیدگاه حقوق اسلام»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، تهران، سال ۱۳۸۳، شماره ۳۷، زمستان.
- صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۸۳)، «مبانی فقهی و بایسته‌های قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲»، نامه مفید، قم، سال ۸۳، شماره ۴۶، بهمن و اسفند.
- صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۹۱)، «نام و نام خانوادگی کودکان حاصل از انتقال جنین»، مجموعه مقالات همایش ملی حقوق ثبت احوال، ج ۱.
- صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۹۲)، «نسب و ارث جنین آزمایشگاهی»، فصلنامه حقوق پزشکی، تهران، سال ۱۳۹۲، شماره ۲۴.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۸۴)، «نارسانه‌های قانون ایران درباره اهدای گامت و جنین با توجه به حقوق تطبیقی»، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری، تهران: انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سازمان سمت.
- طباطبایی، سیدمحمدصادق (۱۳۹۳)، «ماهیت حقوقی قرارداد استفاده از روش مادر جانشین»، پژوهش حقوق خصوصی، تهران، سال ۳، شماره ۹.
- عامری، جواد (۱۳۶۲)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- غفاری، معرفت (۱۳۸۲)، «روش‌های پیشرفته در درمان نازایی»، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سازمان سمت.
- فروزان‌فر، مجتبی؛ مزروعی، رسول (۱۳۸۴)، «برخی از احکام تکلیفیه و وضعیه تلقیح مصنوعی و طفل متولد از آن»، مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور حقوقی، ج ۴، چاپ اول، قم: نشر فضا.
- فیض‌اللهی، نجات (۱۳۸۹)، اهدای جنین و دیگر روش‌های باروری کمکی در حقوق ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- قبله‌ای خوبی، خلیل (۱۳۸۰)، بررسی مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سازمان سمت.

- قبله‌ای خویی، خلیل (۱۳۸۴)، «اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری»، بررسی احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت در رابطه با توارث، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سازمان سمت.
- قربانی، فرج الله (۱۳۸۲)، آرای وحدت رویه حقوقی، تهران: انتشارات فردوسی.
- کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- کی چانگ، ربار سولز (۱۳۷۵)، ناباروری، ارزیابی و درمان، ترجمه محمد علی کریم‌زاده و همکاران، یزد: مؤسسه انتشارات یزد.
- محمدی باردی، احمد (۱۳۸۹)، «اهدای جنین در حقوق ایران، پیدا یا پنهان»، مجله حقوقی دادگستری، تهران، سال ۷۴، شماره ۷۲.
- مرقاتی، سیدطه (۱۳۸۴)، «حقوق کودکان در اهدای گامت»، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری، تهران: انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سازمان سمت.
- نایب‌زاده، عباس (۱۳۸۰)، باروری مصنوعی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲)، اعلامیه‌های حقوق بشر، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).
- نصیری، محمد (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ بیست و نهم، تهران: انتشارات آگاه.
- یآوری، ندا؛ متوسلی، الهه (۱۳۸۴)، «ارزاداری در اهدای گامت»، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری، تهران: انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سازمان سمت.
- یزدی، محمد (۱۳۷۵)، «باروری‌های مصنوعی و حکم فقهی آن»، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، سال دوم، شماره ۵ و ۶.

عربی

- آصف‌المحسینی، محمد (۱۳۸۲)، الفقه و المسائل الطیبه، قم: مؤسسه بوستان قم.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق)، وسایل الشیعه، ج ۱۴، چاپ ششم، تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۸۸ق)، تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)
- خوبی، ابوالقاسم (بی‌تا)، مستحدثات المسائل، قم: بی‌نا.
- صانعی، یوسف (۱۳۷۶)، مجمع المسائل، قم: انتشارات میثم تمار.
- فاضل‌لنکرانی، محمد (بی‌تا)، جامع المسائل، ج ۲، چاپ یازدهم، قم: انتشارات امیر قلم.
- کرکی، علی بی حسین (محقق ثانی) (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۱۲، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌بیت (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، استفتائات جدید، ج ۲، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).
- مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ق)، کلمات سدیدیه فی مسائل جدیدیه، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۳ق)، القواعد الفقهیه، ج ۴، چاپ دوم، قم: مطبعه اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا)، تحریر الوسیله، قم: انتشارات دارالعلم.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، ج ۴، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- یحیی عبدالرحمن، خطیب (۱۴۱۸ق)، احکام المرأة الحامل فی الشریعه الاسلامیه، چاپ اول، اردن: دارالنفائس.